

بازنویسی داستان‌های منظوم ۱۷/

حکایت‌نی

تألیف و بازنویسی داستان‌های مثنوی معنوی

(دفتر ششم)

قربان ریو، خمدآبادی



شرکت سهامی کتابهای جیبی
وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۴



تهران، خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال،

صندوق پستی ۴۱۹۱-۱۱۳۶۵

شرکت سهامی کتابهای جیبی

وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر

www.amirkabir.net

عنوان کتاب: حکایت نی (دفتر ششم)

نویسنده: قربان ولینی محمدآبادی

طراح جلد: پریسا رسولی

نوبت چاپ اول: (۱۳۹۴)

حروف متن: ۱۳

چاپ و صحافی: اسپید، ۸۸۴۲۷۶۵۶

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۴۵۰۰۰ ریال

س کز فروش: ۰۲۱۶۱۲۸

فرش این نت www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ، هرگونه نقض حقوق اعم از راکس، بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی یا جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی) و هرگونه نقض حقوق کپی رایت و سایر حقوق معنوی و مادی (مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طبع مراجع قانونی قابل پیگیری است.

سرشناسه: ولینی، قربان، ۱۳۹۹، اقتباس کننده.

عنوان قراردادی: مثنوی، برگزیده.

عنوان و نام پدیدآور: حکایت نی: تلخیص و بازنویسی داستان‌ها، متن: معنی (دفتر ششم) //

قربان ولینی محمدآبادی.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۸۷ ص.

فروست: بازنویسی داستان‌های منظوم: ۱۷.

شابک: 978-964-303-623-2

وضعیت فهرستنویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: مولوی، جلال الدین محمدبن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ مثنوی -- اقتباس‌ها.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴.

شناسه افزوده: مولوی، جلال الدین محمدبن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ مثنوی، برگزیده.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۸۶ ح ۸۹ / ۸۲۹۸ PIR

رده‌بندی دیوبی: ۶۲ / ۳ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۶۶۲۲۹

فهرست

۷	پیشگفتار نامر...
۹	مقدمه
۱۵	حکایتِ جهت
۱۷	آتش کش
۱۹	سبب برتری ایاز
۲۳	صید و صیاد
۲۷	فریاد نابهنگام
۲۹	عاشق خفته
۳۱	آوازِ «نمی دانم»
۳۳	گریه بر خویشتن
۳۵	سحوری
۳۶	قصهٔ بلال
۴۱	هلال عرشی
۴۳	طیب و بیمار
۴۷	غلام و سلطان محمود

۴۹.....	گنج‌نامه
۵۳.....	مرید شیخ خرقان
۵۷.....	دوستی بی‌بنیاد
۶۱.....	سلطان محمود و دزدان شبگرد
۶۵.....	مرید مقروض
۶۹.....	کوسفند گریزان
۷۱.....	دژ هوش ربا
۸۱.....	گنج خانگ
۸۷.....	فهرست منابع

www.ketab.ir

پیشگفتار ناشر

ادبیات فارسی گنجینه‌های سرشار از حکمت و معرفت است که در قالب‌های شعر، نثر، آفریده شده و در دسترس ما قرار گرفته است. با گذشت زمان، مطالعه متون کهن ادبی برای مخاطبان امروزی، دشوار شده است؛ به طوری که دستیابی به مرواریدهای نهفته در این گنجینه، به آسانی گذشته نیست.

نخستین قدم برای نزدیک شدن به این گنجینه، شناساندن آن به مخاطب است تا انگیزه لازم را برای مطالعه این آثار پیدا کند. یکی از راه‌های شناساندن این متون، تلخیص و بازویس آنهاست، تا از این طریق، هم گوهرهای درخشان نهفته در آنها در اختیار مخاطب قرار گیرد و هم اشتیاق و انگیزه مطالعه اصل آثار در او بیدار و نیرومند شود.

منظومه‌های فارسی، آثاری ادبی است که ماهیت روایی و داستانی

دارد. این منظومه‌ها نمونه‌های درخشانی از پیشینهٔ داستان‌پردازی در ادبیات فارسی است. همچنین به سبب وجود جنبه‌های آموزشی، به‌ویژه در حوزهٔ اخلاق و معرفت بشری، این آثار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، بازنویسی و تلخیص منظومه‌های شاخص ادبیات فارسی، گامی ارزشمند در جهت شناساندن پیشینهٔ داستان‌نویسی در ایران و نیز برخوردارشدن از عناصر حکمت و معرفت هفت‌هفته‌ای آنهاست.

در بازنویسی و تلخیص این متون، کوشیده‌ایم که خط سیر اصلی داستان، با وجود حذف عناصر غیراصلی، محفوظ بماند و متن گزینش‌شده، نمودار، از متن اصلی باشد. مثال‌آوری بیت‌های درخشان منظومه‌ها نیز با رعایت این هدف صورت گرفته است.

تذکرهٔ سهامی کتابهای جیبی

مقدمه

جلال‌الدین محمد بلخی - معروف به مولوی - در سال ۶۰۴ ق. در بلخ، واقع در خراسان آن عصر متولد شد. پدر مولوی، بهاء‌الدین ولدین ولد (۵۴۳ - ۶۲۸ ق.) شهرور به سلطان‌العلماء از عالمان و واعظان عصر بود و مشربی عرفانی داشت؛ گرایش عمیق عرفانی وی را می‌توان در تنها اثر او، معارف بهاء ولد مشاهده کرد.

سلطان‌العلماء، هنگامی که مولوی در خدمت پهلداره سال سن داشت، عازم سفر حج شد. گویند در همین سفر بود که سلطان‌العلماء در نیشابور با عطار نیشابوری ملاقات کرد و عطار با فراست، استعداد عرفانی جلال‌الدین محمد را تشخیص داد و گفت «زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند».

سلطان‌العلماء پس از گزاردن حج، به سبب اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر و بیم حمله تاتار، دیگر به بلخ برنگشت و در قونیه ساکن شد.

جلال‌الدین محمد از کودکی تحت تعلیم پدر قرار داشت و پس از مرگ وی در سال ۶۲۸ ق. به سبب هوش وافر و دانش بسیاری که اندوخته بود، بر مسند وعظ و خطابه پدر تکیه زد. در همین هنگام، جلال‌الدین تحت تربیت عرفانی «برهان‌الدین محقق ترمذی» قرار داشت که از شاگردان پدرش بود.

پس از چندی، جلال‌الدین برای ادامه تحصیلات دینی به حلب و دمشق سفر کرد. این سفر علمی وی، هفت سال طول کشید و سرانجام به نینیه بازگشت.

پس از مرگ برهان‌الدین محقق ترمذی، جلال‌الدین به تدریس پرداخت و در علوم دینی به شهرتی چشمگیر دست یافت.

در سال ۶۴۲ ق. مسیحین علی بن ملک داد، مشهور به شمس تبریزی، به قونیه آمد؛ آفتابی درخشان که شیدایی لاهوتی او، در واژه‌واره گفتارهای او که در مقام شمس گرد آمده است، هنوز و تا همیشه خواهد درخشید. ملاقات جلال‌الدین و شمس در پرده ابهام است، اما هرچه بود و شمس هرکه بود، جلال‌الدین را که عالمی متین و سجاده‌نشینی باوقار بود، از مسند تلمذ برکنار کشید و در کوچه و بازار به سماع درآورد. این رباعی بسیار زیبای منحنی سلوک جلال‌الدین را ترسیم کرده است:

زاهد بودم، ترانه‌گویم کردی
سرفتن بزم و باده‌جویم کردی

سجاده‌نشین باوقارم دیدی
بازیچهٔ کودکان کویم کردی

باری جلال‌الدین بر اثر این ملاقات، تولدی دیگر یافت؛ و شمس که خود می‌گفت کار من دستگیری از شیوخ و پیران راه است، جلال‌الدین را که در حلقهٔ مریدان بسیار گرفتار بود، از «خود» وارهانید و در کهکشان بی‌خویشی به سماع درآورد.

مریدان جلال‌الدین، کینهٔ این رند دوزخ‌آشام را به دل گرفتند و سبب شدند که شمس بیش از شانزده ماه در قونیه نماند و به دمشق برود؛ و شمس به کشتن و آتش اشتیاق جلال‌الدین را شعله‌ورتر کرد. مولوی با فرستادن نامه‌های ییابی به دمشق و فرستادن مریدان به آن سامان، عاقبت او را در سال ۶۴۴ ق. به قونیه بازگرداند؛ اما این بار نیز فتنهٔ مریدان جلال‌الدین او را در سال ۶۴۵ ق. برای همیشه از قونیه راند. شمس غایب شد؛ اما جلال‌الدین به حضوری دست یافته بود که غیبت در آن راهی نداشت.

کانون شعر جلال‌الدین که با دیدار شمس شعله‌ور شده بود، گدازان‌تر و انبوه‌تر سر به افلاک برداشت.

پس از غروب شمس، صلاح‌الدین زرکوب، مردی عارفانه و روشن‌ضمیر و شیدا، آینه در برابر جلال‌الدین گرفت. پس از مرگ صلاح‌الدین در سال ۶۵۷ ق.، جلال‌الدین دل به حسام‌الدین چلبی داد و این ارتباط عارفانه پانزده سال تداوم یافت. همین حسام‌الدین

بود که جلال‌الدین را به سرودن مثنوی برانگیخت. روان جلال‌الدین در سال ۶۷۲ ق. تنگنای تن را وانهاد و به آفاق نامتناهی لاهوت پر گشاد.

آثاری که از مولوی باقی مانده، در دو گروه منظوم و منثور قابل تقسیم‌بندی است؛ نثرهای مولوی در فیه‌ما‌فیه، مکتوبات (مکاتیب) و مجال‌سبعه گرد آمده است.

آثار منظوم مولوی عبارتند از:

۱. مثنوی: مثنوی در حدود بیست و پنج هزار بیت دارد و مهم‌ترین متن منظوم ادبیات عرفانی است. این کتاب الهامی، گنجینه آموزه‌های عرفانی است و می‌توان آن را دانشنامه عرفان اسلامی نامید. مولوی در این کتاب بر قالب حکایت‌های تودرتو، دشوارترین و دیریاب‌ترین مفاهیم عرفانی را با زبانی آتشین و شورانگیز، بیان کرده است.

۲. دیوان کبیر یا کلیات شمس تبریزی: این کتاب دربرگیرنده غزل‌ها، رباعی‌ها و ترجیعات مولوی است که به هزار و دویست و بیست و دو غزل و قطعه، هزار و نهصد و هشتاد و سه رباعی و چهل و چهار ترجیع‌بند دارد. هیجان عرفانی مولوی را در این دیوان آسمانی می‌توان دریافت. مولوی در مثنوی، آراسته‌تر و آگاه‌تر است؛ اما در این کتاب، با آشفشانی از شوریدگی و شیدایی و مدهوشی روبرویم.

و اما درباره کتابی که پیش رو دارید؛ بازنویسی قصه‌های مثنوی به نثر در شش دفتر هدف این مجموعه است. شایان ذکر است که آثاری با همین هدف قبلاً منتشر شده است؛ اما هدف ما در این مجموعه آن است که به گونه‌ای قصه‌های مثنوی را بازنویسی کنیم که پیوستگی و انسجام قصه‌ها به عنوان منظومه‌ای واحد حفظ شود. به عبارت دیگر، رشته‌ای که قصه‌های مثنوی را به هم می‌پیوندد، در حد امکان در این بازنویسی گسسته نشده است.

نکته دیگر اینکه برای القا و ارائه فضای مثنوی، جا به جا اییاتی درخشان از مثنوی، در متن آورده‌ایم.

و نکته آخر اینکه در این مجموعه، مقاصد و اهداف مولوی از بیان هر قصه، از لابه‌لای ادبیات مثنوی استخراج و بازنویسی شده و بین سه ستاره قرار گرفته است.

نسخه‌ای که در این بازنویسی، اساس کار بوده است، مثنوی معنوی به تصحیح رینولد الین نیکلسون است که در سال ۱۳۷۵ به وسیله انتشارات توس در شش مجلد منتشر شده است.

و سپاس خدای راست

قربان ولینی محمدآبادی

(عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان)